

دانشگاه هنر | معنویت حماسه ساز و معنویت حماسه‌سوز-۳

پناهیان: چرا چند پاره‌گی در معنویت بوجود آمده است؟/ چون خدا بسیاری از حقائق عالم را نشان

نمی‌دهد بلکه نشانه می‌دهد

پناهیان: دقت در انتخاب معنویت بسیار مهم است. برای زندگی فردی باید مراقب باشیم که به معنویت‌های قلبی دچار نشویم. به علاوه ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که در آن کالاهای معنوی، زیاد داد و ستد می‌شوند. اگر زمانی ضدیت با معنویت، مُد بود؛ امروز دوره آن گذشته است. در دوره‌های بعدی این تفکر مطرح شد که نباید ایمان را در زندگی و سیاست، زیاد دخالت داد. امروزه این حرف را هم کمتر کسی بیان می‌کند. چون کسانی که ایمان را در زندگی و سیاست دخالت ندادند، خوشبخت نشده‌اند. هیچ آدم عاقلی جامعه مدنی کشورهای غربی را الگوی خود نمی‌داند. امروز دوره این است که کدام معنویت، معنویت بهتری است؟ معنویت بدون تکلیف یا معنویت با تکلیف؟ معنویت با خدا یا معنویت بدون خدا؟ معنویت بدون پیغمبر یا معنویت با پیغمبر؟ معنویت بدون امام یا معنویت با پیغمبر با امام؟

بخش‌هایی از **سومین جلسه** سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین علیرضا پناهیان در دانشگاه هنر با موضوع: «**معنویت حماسه ساز و معنویت حماسه‌سوز**» را در ادامه می‌خوانید:

دوران خرافه دانستن معنویت و اعتقاد به عدم دخالت معنویت در مسایل اجتماعی گذشته است

- دقت در انتخاب معنویت بسیار مهم است. برای زندگی فردی باید مراقب باشیم که به معنویت‌های قلبی دچار نشویم. به علاوه ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که در آن کالاهای معنوی، زیاد داد و ستد می‌شوند. اگر زمانی ضدیت با معنویت، مُد بود؛ امروز دوره آن گذشته است. در زمان شهید مطهری، عده‌ای ایمان را خرافات می‌دانستند و شهید مطهری با تبیین و اثبات اینکه ایمان خرافات نیست و با علم قابل جمع است با این تفکر مبتذل مقابله کرد. اما امروز هیچ صدای بلندی در مورد خرافه بودن دین وجود ندارد و دوران خرافه‌پنداری معنویت هم گذشته است. در دوره‌های بعدی این تفکر مطرح شد که نباید ایمان را در زندگی و سیاست، زیاد دخالت داد. امروزه دیگر این حرف را هم کمتر کسی بیان می‌کند. چون کسانی که ایمان را در زندگی و سیاست دخالت ندادند، خوشبخت نشده‌اند. ما از این دوران هم عبور کرده‌ایم. هیچ آدم عاقلی جامعه مدنی کشورهای غربی را الگوی خود نمی‌داند. این کشورها در برابر مردم ما حرفی برای گفتن ندارند.

موضوع دوره ما این است که کدام معنویت، معنویت بهتری است؟/ دوران معنویت بدون تکلیف هم در حال

سپری شدن است

- امروز دوره این است که کدام معنویت، معنویت بهتری است؟ معنویت بدون تکلیف یا معنویت با تکلیف؟ معنویت با خدا یا معنویت بدون خدا؟ معنویت بدون پیغمبر یا معنویت با پیغمبر؟ معنویت بدون امام یا معنویت با پیغمبر با امام؟ معنویت با پیغمبر ولی با چند امام؟ ۴ امام، ۷ امام یا با ۱۲ امام؟ معنویت با ۱۲ امام بدون نایب امام؟ یا معنویت با ۱۲ امام با نایب امام؟ کدام معنویت بهتر است؟ اینها انواع معنویت‌هایی هستند که در موردش دعوا هست.
- دوران برخی از این معنویت‌های دیگر هم در حال گذشتن است، مثلاً معنویت بدون تکلیف. امروزه در منطقه ما دعوا و جنگ بین معنویت با تکلیف و معنویت بدون تکلیف نیست؛ یک تروریست هم معتقد است طبق تکلیفش عمل می‌کند و به نظر خودش، طبق

تکلیفش باید آدم بکشد. زمان خیلی سریع پیش می‌رود. ولی امروز دوران انواع معنویت‌هاست و الان دو طرف دعوا اهل معنویت شده‌اند.

دوستان صادق اهل بیت(ع) در شناخت معنویت ناب دچار اشتباه نمی‌شوند

• باید ببینیم معنویت‌هایی که امروزه در بازار هست، چه مبانی و اختلاف‌هایی با هم دارند چون ما هم جزء این امتحان هستیم. امیرالمؤمنین علی(ع) در مورد غربال‌های آخرالزمان هشدار داده‌اند. از امام صادق(ع) پرسیدند در فتنه‌های آخرالزمان چه کنیم؟ اینطور که شما می‌فرمایید اوضاع خیلی پیچیده خواهد شد. از گوشه خیمه نور آفتاب وارد خیمه می‌شد، حضرت فرمودند: آیا این نور آفتاب که داخل شده، معلوم است؟ گفت: بله. فرمود: حق برای دوستان صادق اهل بیت(ع) - از این آفتاب هم روشن تر است. (فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ كَيْفَ لَا أَبُكِي وَ أَنْتَ تَقُولُ اثْنَا عَشْرَةَ رَايَةً مُشْتَبِهَةً لَا يُدْرَى أَيُّ مِنْ أَيِّ قَالٍ وَ فِي مَجْلِسِهِ كَوَّةٌ تَدْخُلُ فِيهَا الشَّمْسُ فَقَالَ أَيْبَنَةُ هَذِهِ فَقُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَمَرْنَا أَبِينَ مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ؛ کافی/۳۳۹/۱)

چرا چند پاره‌گی در معنویت بوجود آمده است؟ / هنر، با نماد و نشانه کار می‌کند / معنویت خیلی با نشانه کار دارد

• چرا چند پاره‌گی در معنویت بوجود آمده و هنوز هم هست؟ برای پاسخ به این سؤال، باید به یک مقدمه هنری اشاره کنیم. یکی از ویژگی‌های برجسته هنر این است که فرق هنر با علم این است که علم، اصطلاحاتی بسیار محکم دارد. در علم، مهندسی ویژه‌ای وجود دارد، اما هنر، هم در مقام مفاهیم و اصطلاحات، و هم در مقام اعداد و ارقام، دچار یک بی‌نظمی خاصی است و از مقررات و آیین‌نامه‌ها فرار می‌کند. هنر، با نماد و نشانه و علامت کار می‌کند. نمی‌توان برای هنر زیاد از خط‌کشی‌ها استفاده کرد. معماری، موسیقی، نقاشی و... همه همینطور هستند و از یک حس شروع می‌شوند؛ حتی هنر معماری. هنر معماری با محاسبه سازه متفاوت است و در بخشی از آن، پیگیر زیبایی است که به دل بنشیند. زیاد نمی‌توان از دقت‌های مهندسی در هنر استفاده کرد. حتی گاهی ممکن است از یک اثر هنری نتوان سر در آورد و آن را توضیح داد ولی هنرمند می‌گوید این اثر نماینده یک حس است. ممکن است زیاد هم قابل اثبات نباشد. و به حال هنر به این سادگی به نظم در نمی‌آید.

• در علمی مانند فلسفه وقتی صحبت از جوهر و عرض و ماهیت می‌شود، آنقدر تعاریف دقیق به جنس و فصل و رسم و حد ارائه می‌کنند که قابل خدشه نیست، ولی در هنر اصلاً اینطور نیست. حتی تعریف را هم حسی ارائه می‌کنند. مثلاً برای نشان دادن عشق از سپیده دم استفاده می‌کند. این تعریف به جنس است یا به فصل؟ عشق چه رنگی دارد؟ هنرمند معتقد است عشق، رنگ دارد. هنر با نماد کار دارد؛ با نشانه، با علامت. زیبایی هم چیزی از همین جنس است. رابطه هنر با معنویت هم اینگونه است که معنویت هم خیلی با نشانه کار دارد. معنویت هم چیزی از این جنس است. البته معنویت در پشت سر خود مباحث نظری و استدلالی هم دارد.

خدا بسیاری از حقائق عالم را نشان نمی‌دهد بلکه نشانه می‌دهد / وقتی نشانه می‌دهد، راه‌های مختلف پیش می‌آید

• استدلال، پشتیبان و محافظ معنویت است. مثلاً اگر کسی شبهه کرد که خدا، یکی نیست، علم کلام که یکی از علوم محافظ معنویت است به محافظت از معنویت آمده و جواب این شبهه را می‌دهد. اما معنویت، خودش استدلال نیست. خودش یک چیز دیگر است. چرا در معنویت، انواع مختلف و چندپاره‌گی بوجود آمده است؟ چون معنویت، شباهتی به هنر دارد و در هنر با نشانه‌ها کار

می‌کنند. خدا هم در دین و در ارتباط با بندگانش با نشانه‌ها کار می‌کند. خدا بسیاری از حقائق عالم را چیزی را نشان نمی‌دهد بلکه نشانه می‌دهد. وقتی نشانه می‌دهد، عده‌ای گمراه می‌شوند و راه‌های مختلف پیش می‌آید.

دین اسلام، دین اشاره‌ای است/یکی از دلایل عدم نزول بلا در دوران اسلام، اشاره‌ای بودن دین اسلام بوده است

- در روایتی امیرالمؤمنین(ع) در پاسخ به فردی که پرسیده بود «شما چرا می‌گویید «پیامبران رحمت للعالمین است»، در حالی که پیامبر شما فقط برای مسلمانان باعث رحمت است، ولی کفار را به جهنم فرستاده است. این چه رحمتی است؟ پیغمبر شما در چه موردی به کفار رحمت آورده است؟» حضرت علی(ع) فرمودند: به این دلیل رحمت است که همه انبیاء مبعوث شدند به تصریح ولی آخرین پیامبر مبعوث شده است به تعریض و اشاره. یعنی در همان مواردی که پیامبران پیشین تصریح می‌کردند، ایشان تصریح نمی‌کردند. ... فَعَبَّئَهُ اللَّهُ بِالتَّعْرِضِ لَا بِالتَّصْرِيحِ وَ اثْبَتَ حُجَّةَ اللَّهِ تَعْرِيضاً لَا تَصْرِيحاً؛ الاحتجاج/ج ۱/۲۵۵. دین اسلام، دین اشاره‌ای است.
- قرآن هم جملاتی دارد که نامش آیه است یعنی نشانه. نشان نمی‌دهد، نشانه می‌دهد. در ادیان قبلی، نشان می‌دادند: مثلاً حضرت عیسی‌بن مریم، مرده زنده می‌کرد. یا مثلاً پذیرش یا عدم پذیرش عبادت‌ها با پذیرش قربانی معلوم و مشخص می‌شد. در داستان هابیل و قابیل هم همین پذیرش قربانی هابیل مطرح است، که قابیل فهمید که قربانی او را خدا قبول نکرده است.
- بعد از این جملات حضرت علی(ع) مثال می‌زنند که وقتی پیامبر(ص) در روز غدیر دست مرا بالا برد، فرمود «من کنت مولا فلهذا علی مولا» چرا یک کلمه مشخص تر نفرمود؟ چون مولا چندتا معنی دارد. وقتی ایشان با اشاره صحبت می‌کنند و عده‌ای قبول نمی‌کنند عذاب نازل نمی‌شود که کافران نابود شوند و خدا مهلت می‌دهد. این، یک فرصت برای کفار است. در زمان پیامبران پیشین بلا زیاد نازل می‌شد، چون خلاف دستور صریح پیامبر عمل می‌کردند. ولی در زمان پیامبر اسلام(ص) بلا نازل نشد. این به دلیل اشاره‌ای بودن دین اسلام است که نام حضرت علی(ع) هم در قرآن نیامده است.
- امام صادق(ع) می‌فرماید: «خداوند پیامبر خود را بر طبق ضرب المثل «به در می‌گویم که دیوار بشنود»، مبعوث کرده است؛ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ نَبِيَّهُ بِ «إِيَّاكَ أَعْنَى وَ اسْمَعِي يَا جَارَةَ» (تفسیر قمی/۳۷۳/۲ و کافی/۶۳۱/۲) امام صادق(ع) می‌فرماید: پیامبر تصریح نمی‌گوید، چون اگر صریح بگوید و نپذیری، بلا نازل می‌شود. از جمله اینکه نوشته‌اند: هرگاه سخن ناروایی از فردی به رسول خدا(ص) می‌رسید، نمی‌فرمود: «فلانی را چه شده که چنین می‌گوید؟!»؛ بلکه می‌فرمود: «مردم را چه شده که چنین و چنان می‌گویند؟!» (میزان الحکمه/ ۴۹۰۷)
- خداوند در قرآن می‌فرماید: «(از بهانه‌های آنها این بود که) گفتند: «چرا فرشته‌ای بر او نازل نشده(تا او را در دعوت مردم به سوی خدا همراهی کند؟!))» ولی اگر فرشته‌ای بفرستیم، (و موضوع، جنبه حسی و شهود پیدا کند) کار تمام می‌شود (یعنی اگر مخالفت کنند)، دیگر به آنها مهلت داده نخواهد شد (و همه هلاک می‌شوند)؛ وَ قَالُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ؟ وَ لَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكاً لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ؛ (انعام/۶) علامه طباطبایی در ذیل همین آیه می‌فرماید: «پس چیزی که از آیه مورد بحث استفاده می‌شود این است که کفار درخواست نزول فرشته کردند، و ما اجابتشان نمی‌کنیم زیرا اگر اجابت می‌کردیم، و ملائکه را بر آنان نازل می‌نمودیم ناچار می‌باید هلاکشان می‌کردیم و دیگر مهلتشان نمی‌دادیم» (تفسیر المیزان)

در معنویت فردی، توجه به اعمال و پذیرش آنها داشته باشیم / به اعمال خود مطمئن نباشیم

- در برخی روایات مربوط به آخرالزمان سادات بنی هاشم منحرف از امام زمان (عج) که مدعی راه امام زمان (عج) می شوند با ذکر تعداد پیش بینی شده اند. (لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّى يَخْرُجَ قَبْلَهُ اثْنَا عَشَرَ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ كُلَّهُمْ يَدْعُو إِلَى نَفْسِهِ؛ غیبت نعمانی/ ۱۵۲) چنین مواردی که انسان را نگران معنویت‌های نادرست و عاقبت به خیری می کند در دین ما زیاد است. خدایا ما را در این طوفان‌ها حفظ بفرما! در مورد معنویت به بحث‌های فردی و شخصی هم دقت داشته باشیم. گاهی مباحث دین و ادیان و جهان و فتنه را کنار بگذاریم و به فکر بندگی خودمان به صورت انفرادی باشیم. اینکه یک روز، حسابی حال نماز خواندن داریم، آیا احتمالاً یک کار خوب با اولییتی را ترک نکرده‌ایم که شیطان ما را تحویل گرفته باشد؟ وقتی نماز خوب و باحالی هم خواندی به خدا بگو آیا قبول می کنی؟ حضرت زینب (س) در کنار گودی قتلگاه فرمودند: «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِيلَ» ما چگونه به اعمال خود مطمئن باشیم؟ حضرت علی (ع) که در خانه کعبه به دنیا آمده بود، تا لحظه آخر نگران عاقبت به خیری بود.

